

# نوی نی

قانع به فقر خویشم سلطان بی نیازم  
طمع ز کس ندارم فارغ ز حرص و آزم  
در مکنّت و حشمت باقی نمانده هیچکس  
ذوق فنا بجویم ورد و دعاست نیازم  
مویم سپید گشت در گرم و سرد روزگار  
آلوده نیست دستم چون سرو سرفرازم  
در جنگ با تعدی قلم تیز خنجر ماست  
با هر نبرد علیه دزدان همفکر و هم آوازم

منتظر